

اللَّهُمَّ إِنَّ مَلَائِكَتَكَ مُشْفِقُونَ مِنْ خَشْيَتِكَ، سَامِعُونَ مُطِيعُونَ لَكَ وَهُمْ بِأَمْرِكَ يَعْمَلُونَ، لَيُفْتَرُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ يُسَبِّحُونَ، وَأَنَا أَحَقُّ بِالْخَوْفِ الدَّائِمِ لِإِسَاءَتِي عَلَى نَفْسِي، وَتَفْرِيطِهَا إِلَى افْتِرَابِ أَجَلِي، فَكَمْ لِي يَا رَبِّ مِنْ ذَنْبٍ أَنَا فِيهِ مَغْرُورٌ مُتَحَيِّرٌ؟

خداوندا، فرشتگان از بیم تو هراسناک و گوش به فرمان و مطیع تو اند و به دستور تو عمل می‌کنند و شب و روز خسته نمی‌گردند و پیوسته تسبیح‌گوی تو اند، در حالی که من به خاطر بدی بر خویشتن و کوتاهی در امر نفس خویش تا نزدیکی به زمان سرآمد عمرم، سزاوارترم که پیوسته بیمناک باشم. ای پروردگار من، چه بسیار گناه که من فریفته و سرگشته آن هستم؟

اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ أَكْثَرْتُ عَلَى نَفْسِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْإِسَاءَةِ، وَأَكْثَرْتُ عَلَى مِنَ الْمَعَاذَةِ، سَتَرْتُ عَلَى وَلَمْ تَفْضَحْنِي بِمَا أَحْسَنْتَ لِي النَّظَرَ وَأَقْلَنْتَنِي الْعَثْرَةَ، وَأَخَافُ أَنْ أَكُونَ فِيهَا مُسْتَدْرَجًا، فَقَدْ يَنْبَغِي لِي أَنْ أَسْتَحْيِيَ مِنْ كَثْرَةِ مَعَاصِي، ثُمَّ لَمْ تَهْتِكْ لِي سِتْرًا، وَلَمْ تُبَدِّ لِي عَوْرَةً، وَلَمْ تَقْطَعْ عَنِّي الرِّزْقَ، وَلَمْ تُسَلِّطْ عَلَيَّ جَبَّارًا،

خداوندا، من گناهان و بدی فراوان نمودم و تو بسیار عافیت بخشیدی؛ بر من پوشیدی و به واسطه حسن نظرت به من رسوایم نمودی و لغزشم را نادیده انگاشتی، به حدی که بیم آن را دارم که با دادن نعمت پی‌درپی مرا به عذابت نزدیک کنی، در حالی که سزاوار است از فراوانی گناهانم شرم کنم، سپس باز پرده دری نکردی و عیبم را آشکار نساختی و روزی‌ام را قطع نکردی و سرکشی را بر من مسلط نساختی،

وَلَمْ تَكْشِفْ عَنِّي غِطَاءَ مُجَازَاهٍ لِذُنُوبِي، تَرَكْتَنِي كَأَنِّي لِأَذَنْبِ لِي، كَفَمْتُ عَنْ خَطِيئَتِي، وَرَكَيْتَنِي بِمَا لَيْسَ فِيَّ، أَنَا الْمُقِرُّ عَلَى نَفْسِي بِمَا جَنَّتْ عَلَيَّ يَدَايَ، وَمَشَتْ إِلَيْهِ رِجْلَايَ وَبَاشَرَ جَسَدِي، وَنَظَرْتُ إِلَيْهِ عَيْنَايَ، وَسَمِعْتُهُ أُذُنَايَ، وَعَمِلْتُهُ جَوَارِحِي، وَنَطَقَ بِهِ لِسَانِي، وَعَقَدَ عَلَيْهِ قَلْبِي، فَأَنَا الْمُسْتَوْجِبُ يَا إِلَهِي زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَمُفَاجَاةِ نِقْمَتِكَ، وَتَحْلِيلِ عُقُوبَتِكَ لِمَا اجْتَرَأْتُ عَلَيْهِ مِنْ مَعَاصِيكَ، وَضَيَعْتُ مِنْ حُقُوقِكَ، أَنَا صَاحِبُ الذُّنُوبِ الْكَثِيرَةِ الْكَبِيرَةِ الَّتِي لَا يُحْصَى عَدَدُهَا، وَصَاحِبُ الْجُرْمِ الْعَظِيمِ، أَنَا الَّذِي أَحَلَلْتُ الْعُقُوبَةَ بِنَفْسِي وَأَوْبَقْتُهَا بِالْمَعَاصِي جُهْدِي وَطَاقَتِي، وَعَرَضْتُهَا لِلْمَهَالِكِ بِكُلِّ قُوَّتِي.

و به سزای گناهانم پرده از من برکنار نمودی، بلکه مرا به‌گونه‌ای رها کردی که گویی گناهی ندارم؛ از خطایم چشم پوشیدی و مرا پاک انگاشتی به آنچه در من نبوده‌است، من به واسطه جنایاتی که دستانم کردند و پاهایم

به سوی آن روانه شدند و تتم با آن تماس گرفت و چشمانم به آن نگریست و گوش‌هایم شنید و اعضا و جوارح دیگرم بدان عمل نمود و زبانم بدان گویا شد و دلم بدان معتقد گردید، علیه خود اعتراف می‌کنم. بنابراین، ای معبود من، من به واسطه گستاخی بر معصیت و پایمال کردن حقوق تو، سزاوار بر گرفتن نعمت و کیفر ناگهانی و نزول عذاب توام. من گناهان فراوان [بزرگ] بی‌شمار را مرتکب شدم و جرم بزرگی از من سرزد، من همانم که عذابت را به خود خریدم و با ارتکاب گناهان با تمام توان و طاقت خود را هلاک کردم و با تمام نیرو در معرض نابودی قرار دادم.

اللَّهُمَّ أَنَا الَّذِي لَمْ أَشْكُرْ نِعْمَكَ عِنْدَ مَعَاصِي إِيَّاكَ، وَلَمْ أَدْعُهَا فِيكَ عِنْدَ حُلُولِ الْبَلِيَّةِ، وَلَمْ أَقِفْ عِنْدَ الْهُوَى، وَلَمْ أُرَاقِبْكَ. يَا إِلَهِي أَنَا الَّذِي لَمْ أَعْقِلْ عِنْدَ الذُّنُوبِ نَهْيَكَ، وَلَمْ أُرَاقِبْ عِنْدَ اللَّذَاتِ زَجْرَكَ، وَلَمْ أَقْبَلْ عِنْدَ الشَّهْوَةِ نَصِيحَتَكَ، رَكِبْتُ الْجَهْلَ بَعْدَ الْجَلْمِ، وَعَدَوْتُ إِلَى الظُّلْمِ بَعْدَ الْعِلْمِ. اللَّهُمَّ فَكَمَا حَلَمْتُ عَنِّي فِيمَا اجْتَرَأْتُ عَلَيْهِ مِنْ مَعَاصِيكَ، وَعَرَفْتُ تَضْيِيعِي حَقَّكَ، وَضَعْفِي عَن شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَرُكُوبِي مَعْصِيَتَكَ.

خداوندا من همان کسی هستم که هنگام معصیت از نعمت‌های تو سپاسگزاری ننمودم و حتی هنگام نزول بلا نیز معصیت را کنار نگذاشته و از هوا و هوس باز نایستادم و تو را نپاییدم، ای معبود من، من همان کسی هستم که هنگام ارتکاب گناهان به نهی تو توجه ننمودم و هنگام لذات فرمان تو را نپاییدم، و هنگام خواهش نفسانی پند تو را نپذیرفتم و به جای بردباری به مرکب نادانی سوار شدم و به جای آگاهی به سوی ستمگری شتافتم. خداوندا همان گونه که در برابر گناهان گستاخانه و تضييع حق تو و ناتوانی در سپاسگزاری از نعمت و ارتکاب گناهان توسط من بردباری نشان داده و آن‌ها را نادیده انگاشتی.

اللَّهُمَّ إِنِّي لَسْتُ ذَا عُدْرٍ فَأَعْتَدِرْ، وَلَا ذَا حِيلَةٍ فَأَنْتَصِرْ. اللَّهُمَّ قَدْ أَسَأْتُ وَظَلَمْتُ وَبَسَسْتُ مَا صَنَعْتُ، عَمِلْتُ سُوءًا وَلَمْ تَضُرَّكَ ذُنُوبِي، فَأَسْتَغْفِرُكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَسُبْحَانَكَ ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾. اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَجِدُ مَنْ تُعَذِّبُهُ غَيْرِي، وَلَا أَجِدُ مَنْ يَرْحَمُنِي سِوَاكَ، فَلَوْ كَانَ لِي مَهْرَبٌ لَهَرَبْتُ، وَلَوْ كَانَ لِي مَصْعَدٌ فِي السَّمَاءِ أَوْ مَسَلِكٌ فِي الْأَرْضِ لَسَلَكْتُ، وَلَكِنَّهُ لَمْ يَهْرَبْ لِي وَلَا مَلَجًا وَلَا مَنجَى وَلَا مَأْوَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ.

خداوندا اکنون من نه عذری دارم تا بیاورم و نه راه چاره‌ای تا از آن یاری بطلبم. خداوندا بدی و ستم نمودم و چه کردار زشتی که از من سر زد! بدی کردم، ولی ای آقا و مولای من، گناهان من ضرری به تو نرسانده است، از تو آمرزش می‌خواهم. پاکی تو ای خدایی که معبودی جز تو نیست، پاکی تو و من از ستمکارانم. خداوندا تو به جز من، کسی را می‌یابی که عذابش کنی ولی من جز تو کسی را ندارم که بر من رحم آرد، اگر گریزگاهی بود،

قطعاً به سوی آن می‌گریختم و اگر جایی در آسمان برای صعود بود به سوی آن صعود می‌کردم و اگر سوراخی در زمین بود وارد آن می‌شدم، لیکن هیچ گریزگاه، پناهگاه، راه نجات و جایگاهی برای فرار از تو جز به سوی تو نیست.

اللَّهُمَّ إِنَّ تَعَذُّبِي فَأَهْلُ ذَلِكَ أَنَا، وَإِنْ تَرَحَّمَنِي فَأَهْلُ ذَلِكَ أَنْتَ، بِمَنِّكَ وَفَضْلِكَ وَوَحْدَانِيَّتِكَ وَجَلَالِكَ وَكِبْرِيَاءِكَ وَعَظَمَتِكَ وَسُلْطَانِكَ، فَقَدِيماً مَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِكَ، وَمُسْتَحِقِّي عُقُوبَتِكَ بِالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ، سَيِّدِي عَافِيَةً مَنْ أَرْجُو إِذَا لَمْ أَرْجُ عَافِيَتِكَ؟! وَعَفْوً مَنْ أَرْجُو إِذَا لَمْ أَرْجُ عَفْوَكَ؟ وَرَحْمَةً مَنْ أَرْجُو إِذَا لَمْ أَرْجُ رَحْمَتَكَ؟ وَمَغْفِرَةً مَنْ أَرْجُو إِذَا لَمْ أَرْجُ مَغْفِرَتَكَ؟ وَرِزْقَ مَنْ أَرْجُو إِذَا لَمْ أَرْجُ رِزْقَكَ؟ وَفَضْلَ مَنْ أَرْجُو إِذَا لَمْ أَرْجُ فَضْلَكَ؟

خداوندا اگر عذابم کنی، سزاوار من است و اگر بر من رحم آری، زبینده تو است. تو را سوگند به بخشش، تفضل، یگانگی، جلال، بزرگمنشی، عظمت و فرمانروایی ات [که بر من رحم کنی]، زیرا تو بودی که از دیرزمان بر دوستان و حتی بر آنان که سزاوار کیفر تو بودند، منت نهاده و گذشت و آمرزش را شامل حال آنان نمودی. سرور من، اگر امید عافیت تو را نداشته باشم، از چه کسی امید داشته باشم؟ اگر به گذشت تو امید نبندم، به گذشت چه کسی امید ببندم؟ اگر امید رحمت تو را نداشته باشم، به رحمت چه کسی امید داشته باشم؟ اگر به آمرزش تو امید ببندم، به آمرزش چه کسی امید ببندم؟ اگر به روزی تو امید نداشته باشم، به روزی چه کسی امید داشته باشم؟ اگر به تفضل تو امید ببندم، به تفضل چه کسی امید ببندم؟

سَيِّدِي أَكْثَرْتَ عَلَيَّ مِنَ النِّعَمِ، وَأَقْلَلْتَ لَكَ مِنَ الشُّكْرِ، فَكَمْ لَكَ عِنْدِي مِنْ نِعْمَةٍ لَأِيْحَصِيهَا أَحَدٌ غَيْرَكَ! مَا أَحْسَنَ بِلَائِكَ عِنْدِي، وَأَحْسَنَ فِعَالِكَ، نَادَيْتَكَ مُسْتَعِينًا مُسْتَصْرِخًا فَأَعْنَتَنِي، وَسَأَلْتُكَ عَائِلاً فَأَعْنَتَنِي، وَنَأَيْتُ فَكُنْتُ قَرِيباً مُجِيباً، وَاسْتَعَنْتُ بِكَ مُضْطَرّاً فَأَعْنَتَنِي، وَوَسَّعْتَ عَلَيَّ، وَهَتَفْتَ إِلَيْكَ فِي مَرَضِي فَكَشَفْتَهُ عَنِّي، وَانْتَصَرْتُ بِكَ فِي رَفْعِ الْبَلَاءِ فَوَجَدْتُكَ يَا مَوْلَايَ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ، وَكَيْفَ لِأَشْكُرَكَ يَا إِلَهِي؟!

سرور من، نعمت‌هایت را به صورت فراوان به من بخشیدی و من در برابر آنها اندک سپاسگزاری نمودم، چه بسا نعمت که تو به من ارزانی داشته‌ای و جز تو نمی‌تواند آن را به شماره درآورد. چقدر آزمایش و کردار تو به من نیک است! با حال کمک‌طلبی [با اطاعت از تو] و فریادکنان تو را خواندم و تو به فریادم رسیدی و با حال ناداری و فقر از تو درخواست نمودم و تو بی‌نیازم ساختی، و از تو دوری گزیدم ولی تو به من نزدیک شده و دعایم را اجابت نمودی و با حال بیچارگی از تو کمک خواستم و تو یاری‌ام نموده و [رحمت را] بر من گستردی

و در حال بیماری تو را فریاد کردم و بیماری ام را برطرف نمودی و برای دفع بلا و گرفتاری از تو یاری طلبیدم و-
ای مولای من- تو را بهترین آقا و بهترین یاور یافتم. اکنون ای معبود من، چگونه تو را سپاس نگوییم؟!

أَطْلَقْتَ لِسَانِي بِذِكْرِكَ رَحْمَةً لِي مِنْكَ، وَأَصَأْتَ لِي بِبَصَرِي بِلُطْفِكَ حُجَّةً مِنْكَ عَلَيَّ، وَسَمِعْتَ أَدْنَايَ بِقُدْرَتِكَ نَظْرًا مِنْكَ، وَدَلَلْتَ عَقْلِي عَلَي تَوْبِيخِ نَفْسِي، إِلَيْكَ أَشْكُو ذُنُوبِي، فَإِنَّهُ لَأَمْجَرِي لِبَثِّهَا إِلَّا إِلَيْكَ، فَفَرَجْ عَنِّي مَا ضَاقَ بِهِ صَدْرِي، وَخَلِّصْنِي مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ عَلَي نَفْسِي مِنْ أَمْرِ دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَهْلِي وَمَالِي، فَقَدْ اسْتَصَعَبَ عَلَيَّ شَأْنِي، وَشَتَّتْ عَلَيَّ أَمْرِي، وَقَدْ أَشْرَفْتُ عَلَي هَلَكَتِي نَفْسِي، وَإِذَا لَمْ تَتَدَارَكْنِي مِنْكَ بِرَحْمَةٍ تُنْقِذْنِي بِهَا فَمَنْ لِي بَعْدَكَ يَا مَوْلَايَ؟!

تو بودی که از روی رحمت زبانه را به یادت گشودی و برای اتمام حجت، به لطف دیده‌ام را روشن گردانیدی و برای نظر [رحمت] به من گوش‌هایم به قدرتت شنوا گردید و عقل مرا بر سرزنش خودم رهنمون گردیدی. از گناهانم به تو گله می‌گزارم، زیرا راهی برای گله‌گذاری از آن‌ها به جز درگاه تو وجود ندارد، پس آنچه را که دلم را به تنگ آورده، بگشای، و از هرچه بر خود بیم دارم -اعم از امور مربوط به دین، دنیا، خانواده و اموال- رهایی بخش، که کارم سخت گیر کرده است و امورم پریشان شده است و نفسم مرا به هلاکت نزدیک کرده است. ای مولای من اگر با رحمتی از خود مرا در نیابی که به واسطه آن مرا نجات دهی، چه کسی جز تو را دارم؟!

أَنْتَ الْكَرِيمُ الْعَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ، وَأَنَا اللَّئِيمُ الْعَوَادُ بِالْمَعَاصِي، فَاحْلُمْ يَا حَلِيمٌ عَن جَهْلِي، وَأَقْلِنِي يَا مُقِيلٌ عَثْرَتِي، وَتَقَبَّلْ يَا رَحِيمٌ تَوْبَتِي، سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَالْأَبَدُ مِنْ لِقَائِكَ عَلَي كُلِّ حَالٍ، وَكَيْفَ يَسْتَعْنِي الْعَبْدُ عَن رَبِّهِ؟!

تویی کریمی که پی‌درپی آمرزشت را شامل حال من می‌کنی و منم فرومایه‌ای که پی‌درپی گناه می‌کنم، پس ای بردبار، در مورد نادانی من بردباری ورز و ای نادیده انگارنده لغزش، لغزشم را نادیده انگار و ای مهربان، توبه‌ام را بپذیر. ای آقا و مولای من، من در هر حال، از ملاقات با تو ناگزیرم و چگونه بنده از پروردگارش بی‌نیاز می‌گردد؟!

وَكَيفَ يَسْتَعْنِي الْمُدْنِبُ عَمَّنْ يَمْلِكُ عَفُوبَتَهُ وَمَغْفِرَتَهُ؟! سَيِّدِي لَمْ أَزِدْ إِلَّا إِلَيْكَ إِلَّا فَقْرًا، وَلَمْ تَزِدْ عَنِّي إِلَّا غِنَى، وَلَمْ تَزِدْ ذُنُوبِي إِلَّا كَثْرَةً، وَلَمْ يَزِدْ عَفْوِكَ إِلَّا سَعَةً، سَيِّدِي اِرْحَمْ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ وَإِنْتِصَابِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَطَلْبِي مَا لَدَيْكَ تَوْبَةً فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ سَيِّدِي مُتَعَوِّذًا بِكَ، مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ بَائِسًا فَقِيرًا تَائِبًا غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَسْخِطٍ بَلْ مُسْتَسْلِمٍ لِأَمْرِكَ، رَاضٍ بِقَضَائِكَ، لَا أَيْسٍ مِنْ رَوْحِكَ وَلَا آمِنٍ مِنْ مَكْرِكَ، وَلَا قَانِطٍ مِنْ رَحْمَتِكَ، سَيِّدِي بَلْ مُشْفِقٍ مِنْ عَذَابِكَ، رَاجٍ لِرَحْمَتِكَ لِعِلْمِي بِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ فَإِنَّهُ لَنْ يُجِيرَنِي مِنْكَ أَحَدٌ، وَلَا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِدًا.

و چگونه گناه کار از کسی که کیفر و آمرزش در اختیار او است، بی نیاز می گردد؟ سرور من، و هر لحظه بر فقر نیازمندی من به درگاه تو و بی نیازی تو از من، افزوده می گردد و گناهان من رو به افزایش است و عفو تو رو به گسترش. سرور من، بر تضرع من به درگاهت و ایستادنم در پیشگاهت و درخواست آنچه در نزد تو است به خاطر توبه از آنچه میان من و تو است، رحم آر، آقای من، در حالی که به تو پناه جسته ام و به درگاهت تضرع می کنم و سخت نیازمند و فقیرم و به درگاه تو، توبه می کنم، بی آنکه بخواهم سرکشی و بزرگمنشی نموده یا تو را به خشم آورم، بلکه تسلیم فرمان و راضی به قضای توام، نه این که از رحمت تو مأیوس و از فکر و فریبت ایمن و از رحمتت نومید گردم، بلکه ای سرور من از عذابت هراسناک و به رحمتت امید دارم؛ زیرا ای سرور و مولای من، می دانم که هیچ کس جز تو نمی تواند مرا از دست تو پناه دهد و جای بازگشتی به جز تو سراغ ندارم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ تَحْسُنَ فِي رَامِقَةِ الْعُيُونِ عَلَانِيَتِي، وَتَقْبَحَ فِيمَا أَخْلُو لَكَ سَرِيرَتِي، مُحَافِظًا عَلَي رِبَاءِ النَّاسِ مِنْ نَفْسِي، وَمَضِيعًا مَا أَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيْهِ مِنِّي، فَأَبْدِي لَكَ بِأَحْسَنِ أَمْرِي، وَأَخْلُو لَكَ بِشَرِّ فِعْلِي تَقَرُّبًا إِلَى الْمَخْلُوقِينَ بِحَسَنَاتِي، وَفِرَارًا مِنْهُمْ إِلَيْكَ بِسَيِّئَاتِي، حَتَّى كَأَنَّ الثَّوَابَ لَيْسَ مِنْكَ، وَكَأَنَّ الْعِقَابَ لَيْسَ إِلَيْكَ، فَسَوْءَةً مِنْ مَخَافَتِكَ مِنْ قَلْبِي، وَزَلَلًا عَنْ قُدْرَتِكَ مِنْ جَهْلِي، فَيَحِلَّ بِي غَضَبُكَ، وَيَنَالَنِي مَقْتُكَ فَأَعِزَّنِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، وَقِنِي بِوَقَائِتِكَ الَّتِي وَقَيْتَ بِهَا عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ.

خداوندا به تو پناه می برم از این که در دید چشم ها ظاهرم نیکو باشد، و زشت باشد در آنچه با تو خلوت می کنم درونم، بر ریاکاری نزد مردم مواظبت کنم، و آنچه را که تو از آن مطلعی تباه سازم، و در نتیجه نیک ترین کردارم را برای تو آشکار نموده و بدترین عملم را در خلوت با تو انجام داده ام، برای این که با نیکی هایم به آفریده هایت نزدیکی بجویم و با کردارهای بدم از آن ها به سوی تو بگریزم، به حدی که گویی ثواب و عقاب از تو و به دست تو نیست و این همه به جهت قساوت پیدا کردن قلبم از یاد بیم تو و نادانی ام که گمان کنم قدرتت دچار لغزش گردیده، می باشد و سرانجام غضبت بر من فرود آید و خشمت به من برسد، از همه این ها مرا پناه ده و به آن نگاه داری ات که بندگان شایسته ات را بدان نگاه داشته ای، از من محافظت کن.

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي مَا كَانَ صَالِحًا، وَأَصْلِحْ مِنِّي مَا كَانَ فَاسِدًا، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي، وَلَا بَاغِيًا وَلَا حَاسِدًا. اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ، وَفَرِّجْ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ، وَتَبَتَّنِي فِي كُلِّ مَقَامٍ، وَاهْدِنِي فِي كُلِّ سَبِيلٍ مِنْ سَبِيلِ الْحَقِّ، وَحُطِّ عَنِّي كُلَّ خَطِيئَةٍ، وَأَنْفِذْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ وَبَلِيَّةٍ، وَعَافِنِي أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَاعْفِرْ لِي إِذَا تَوَقَّيْتَنِي وَلَقِّنِي رَوْحًا وَرَيْحَانًا وَجَنَّةً نَعِيمٍ أَبَدَ الْآبِدِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

خداوندا، اعمال شایسته مرا بپذیر و اعمال باطل و فاسدم را اصلاح نما و کسانی را که بر من رحم نمی‌کنند و نیز هیچ تجاوزگر و حسودی را بر من مسلط مکن. خداوندا همه آندوه‌های مرا بزدا و همه غم‌هایم را بگشا و در همه جا استوارم بدار، و به راه‌های حق راهنمایی‌ام کن و تمامی خطاهایم را بریز، و از همه هلاکت‌ها و بلاها نجات ده و تا زمانی که زنده‌ام همواره عافیت بخش و آن‌گاه که جانم را می‌گیری بیامرزش و رحمت و روزی و بهشت پر نعمت را برای همیشه به پیشواز من در آور، ای مهربان‌ترین مهربانان. درود خداوند بر حضرت محمد و خاندان پاک او.